

ادامه از صفحه اول

اتوبوس و میخ

اما در برابر دوربین تلویزیون و به تقلید از «دموکراسی تو روز روشن» با مردم به گونه دیگری به دور از مرام و رفتار خود سخن می‌گویند و چشم ایشان، حرف‌های پُرِز و پرستیژ که مغایر عملکرد حال و گذشته‌شان است، را بر زبان جاری می‌کنند؛ و این پیام همیشه تاریخی قرآن را که «چیزهایی می‌گویند که عمل نکرده و نخواهید کرد» را نادیده می‌انگارند! (یا اَیْهَا الَّذِیْنَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُوْنَ کَمَا لَا تَفْعَلُوْنَ- آیه دو سوره صف). البته این نقد به آن معنا نیست که دولت مستقر کارنامه درخشانی از حوزه فرهنگ و هنر به‌جای گذاشته باشد. اما تفاوت رئیس‌جمهور مستقر با دیگر کاندیداهای حاضر آن است که در دولتش دست‌کم، فقط رفع مزاحمت و انسداد از عرصه فرهنگ و هنر کرده و میخ‌های نوکتیز در جاده حرکت اتوبوس فرهنگی و هنر را جمع کرده است! اهالی فرهنگ و هنر به‌جد انتظار دارند در دولت آینده ایشان توسعه فرهنگ و هنر جزء اولویت‌های نخست این دولت قرار گیرد.

تبلیغ درست رفتار یک منتظر

برای انجام آن در کنار اعمال عبادی خویش احساس تکلیف می‌کند، بر آگاهان و عالمان قوم است که در برابر این‌گونه امور جمعی مسئولانه برخورد کنند و همتشان بر این قرار گیرد که سنت‌های حاکم بر جامعه را نقد کنند، چه‌با در مسیر طولانی تاریخ، پیرامون یک سنت، زنگارها و انحرافات شکل بگیرد و از خلوص آن بکاهد. این فراگرد می‌تواند سنت انتظار فرج را نیز تهدید کند. پرسش این است که برای رسیدن به یک انتظار مطلوب، چگونه باید بود و چه کاری باید انجام داد؟ آیا تاکنون خود را به‌عنوان یک منتظر، نقد کرده‌ایم؟ منتظر حقیقی چه صفاتی باید کسب کند؟ به چند نمونه رایج در آداب انتظار اشاره مختصری می‌شود تا عرصه برای پیشنهادهای بهتر مهیا شود. اغلب دیده شده در مجالس و منابر به اموری تأکید می‌کنند که از جنس کمیت است، مناسب‌تر بود که بیش از پرداختن به گزاره‌هایی مثل کل سر سن و با تعیین مکان زندگی امام منتظر، بر این کیفیت تأکید می‌شد که هر یک از ما در جغرافیای زندگی و سن خویش تا چه حد در مسیر پرآوردن خواست‌های آن حضرت کام برداشته‌ایم؟ اینکه با امکانات، توانایی‌ها و جایگاه اجتماعی، چگونه می‌توان به مختصات زندگی یک منتظر عاقفی، صورت عینی بخشید. در یک مثال امروزی اگر منتظر حقیقی، یک فیلم‌ساز باشد از خود پیرسد آیا تاکنون توانسته اثری خلق کند که در زمان استقرار دولت مهدوی، اعتبار آرشپوشدن و نمایش مجدد پیدا کند؟ آنچه در آثار یا مجالس به نام حضرت خوانده یا شنیده می‌شود کاربرد مؤثری برای منتظران ندارد. نقل‌قول مناقشه‌برانگیز مکان زندگی حضرت، طرح مبهم ازدواج یا توصیف نوع و رنگ لباس و خیمه و مرکب آن مقام عالی ولایت، کدام حرکت فردی و اجتماعی رami تواند باعث شود؟ اخباری از این دست، عموما از منابع کم‌اعتبار یا با سند ضعیف و براساس ظن و گمان روایان است. برای مثال گفتن از جزیره خضرا به‌عنوان محل زندگی اهل و طایفه ایشان با اوصاف سنتی قدیم، جز ایجاد توهم یک فاصله تاریخی، چه رهاوردی برای مشتاقان حضرت می‌تواند به بار آورد؟ کار بزرگ مبلغان دینی می‌تواند عبوری بزرگ از «چهره» به «سیره» (امام عصر (عج) باشد تا براساس آن اثری محسوس در زندگی اخلاقی و آرمانی متظران پدید آید. نکته دیگر که معمولاً از آن غفلت می‌شود تأکید بر تقرب الهی و تکبیر پروردگار است، رسیدن به این رمز وصل نایبش ربانی به خودی خود همسویی و همراهی با رزمه‌های شبانه غایب منتظر است، زیرا در سیره ایشان و اجداد طاهرش بیش از هر امری گفت‌وگو با معبود و استعانت از آن فیاض ربوبی اصل است و یاشاری و مداومت بر خواندن مناجات شعبانیه در این ماه معظم که ولادت آن حضرت در آن واقع شده یکی از اولویتهای می‌تواند باشد که از منابع اصیل پیشوایان دین به دست ما رسیده و متأسفانه در محافل جشنی که به مناسبت میلاد مبارک آن اسام منجی در مین‌مان برپا می‌شود تقریبا مهجور و ناگشوده باقی مانده است. با وجود سفارش‌های مستقیم و بی‌واسطه‌ای که از سوی پیشوایان امت بر اهمیت مناجات شعبانیه شده، در رسانه‌ها بلندگوها، توصیه‌چندانی بر خواندن و فهم این دعای ارزشمند نمی‌شود و بیشتر بر تحریک احساسات تکیه می‌شود. درحالی‌که پیام اصلی این مناجات آن است که پیش از هر اقدامی، یک منتظر باید به مقام خاکساری و بندگی به درگاه حضرت حق برسد و در معدن عظمت الهی مستغرق شود، تا با ندیدن آنچه غیر اوست به حریم برگزیده‌ترین بنده صالح خدا راه یابد. منتظر حقیقی تمنای رابطه بندگی و اخلاص‌ورزی با معبود ازلی را جست‌وجومی کند؛ همان مهمی که در مناجات گهربار شعبانیه به‌طور جامع آمده است. نیک است به‌عنوان حسن ختام مطلب به بخش‌هایی از این نجوی عاشقانه و توحیدی پیراریم: «خدایا! پر محمد و خاندان محمد درود فرست و شنوای دعایم باش آنگاه که می‌خوانمت و صدایم را بشنو در آن دمی که صدايت می‌کنم و به من توجه کن هنگامی که با تو مناجات می‌کنم، همانا به سبوی تو (از هر چه غیرتوست) گریختم و در حال درمادگی و زاری در برابر ایستادم... و مرا از کسانی قرار ده که گذرت را همواره بر زبان دارند و پیمانت را نمی‌شکنند و از سیاست غافل نمی‌شوند و فرمانت را سبک نمی‌شمارند. خدایا مرا به نور عزت بسیار زینبیت برسان تا عارف به وجودت کردم و از غیر تو رویگردان شودم و از تو اندیشه و حذر کنم. ای دارای بزرگی و بزرگواری».

تحریم بهانه بود، از قبل می‌خواستند به زنجانی نفت بدهند

مهدی افشارنیک

مدیرعامل سابق شرکت نیکو:

تحریم بهانه بود، از قبل می‌خواستند به زنجانی نفت بدهند



مهدی افشارنیک

بالای پنج هزار تن مصادره می‌کردیم. آن روز معنای چپ این بود اما امروز معنای توسعه‌میزان کشور معنی و مفهوم چپ است. توسعه‌گرایی اصلا حاصل چپ است. **ما داعیه احمدی‌نژاد هم همین نبود؟ توسعه بر پایه عدالت برای همه...**

احمدی نژاد پوپولیسم بر مبنای (غیرقابل بیان). **آقای دکتر طوری صحبت کنید که ما بتوانیم چاپ کنیم.**

این حرف‌ها را من همان موقع هم گفتم... شما بروید تحقیق کنید.

ما شما یک زمان مدیر ارشد دولتش بودید...
اینها از نفت نفرت داشتند؛ نفت را نکبت می‌دانستند. **ما از نفت که خیلی بهره بردند...**

بله اما در پس اندیشه خود از نفتی و نفت نفرت داشتند. به خاطر همین هم آشوب نفتی به پا کردند. همین الان هم دوباره صحبت از نفت بالا زده است...

ما کجاست؟
همین که آقای میرسلیم می‌گوید در رشد اقتصادی نفت این مقدار دخیل بوده است. انگار این نفت همین طوری از دل زمین بالا می‌آید. انگار روی هر دکل و سر هر کارخانه نمک‌زدایی، توی گرمای ۶۰ درجه آدم کار نمی‌کند و تولید صورت نمی‌گیرد که در نظر آقایان اهمیت ندارد. من یک خاطره از آقای میرسلیم دارم. به درد می‌خورد؛ یک وقت تگویی از موضوع پرت شده‌ایم... **ما نه بفرمایید...**

سال ۶۲ بود که دولت میرحسین تشکیل شد و یک هفته از معرفی کابینه از سبوی مقام معظم رهبری می‌گذشت. دو وزیر رای اعتماد نیاورده بودند؛ یکی وزیر اقتصاد و دیگری وزیر صنایع. من را میرحسین برای وزارت اقتصاد معرفی کرد. پنجشنبه‌روزی بود که من شنبه‌اش باید برای پیگیری و جلسات کمیسیون و در نهایت هم گرفتن رای اعتماد به مجلس می‌رفتم. آقای میرسلیم که مسئول دفتر رئیس‌جمهور بود، چنان از دولت که رای اعتماد گرفته بود به می‌گفت و عبارت‌های ناپسند به کار برد که من کلاً منصرف شدم بروم مجلس. مایوس شدم، حتی این را بعد از ۲۰ سال با مهندس موسوی گفتم.

این دوگانه رفتارکردن و پشتت دولت مستقر و مردمی را خالی‌کردن و زدنپنکردن از همان ابتدا در کار و سیاق بعضی‌ها بود... **ما به همین سادگی؟**
بله، واقعا برنامه هم نوشته بودم. **ما یعنی ترسیدیم؟**
نه؛ دیدیم فضا، فضای کارکردن نیست... **ما از چپ‌های انقلابی دهه ۶۰ این‌رو حوجه بعید است...**

نه واقعا نمی‌شد کار کرد. مثل همین امروز که علیه این دولت این‌طور موضع می‌گیرند. من راضی نشدم به آن مدل اختلافات ورود کرد. **ما چرا به نخست‌وزیر نگفتید؟**
چون نمی‌خواستمت تشنج ایجاد کنم. **ما به هر جهت باید او می‌فهمید حوالی دولتش چه خبراست؟**
شاید باید می‌گفتم. آن موقع استفاده کرده بد آمد؛ ولی بعد از ۲۰ سال به ایشان گفتم. **ما بگذریم...؛ از اختلاف‌تان با میرکاظمی بفرمایید.**

اصل اختلاف ما سر سوآپ بود. هر روز تقریبا هر ساعت به من زنگ می‌زد که «به ویتول زنگ زدی؟ فکس زدی؟ گفתי که قرارداد باطل است». من می‌گفتم سه ماه بیشتر از قرارداد سالانه ما با ویتول نمانده است؛ حداقل این مدت را مهلت بدهید که برای کشور بد نشود. این در حالی بود که بخش بین‌الملل شرکت نفت هم مخالف توقف سوآپ بود؛ اما وزیر زیر بار نمی‌رفت و روزی چند بار این قضیه را پیگیری می‌کرد.

ببینید ما یک روز ۵۰ هزار بشکه سوآپ می‌کردیم. به شرکت نفت تکلیف شد که آن را به ۱۵۰ هزار بشکه برسانند. این را هم انجام دادیم؛ کاری که از زمان دولت آقای هاشمی دنبال شده بود. ۱۷۹ میلیون دلار برای این کار خط لوله کشیده بودیم. در پالایشگاه تهران و تبریز برای این نفت واحد گوگردزایی راه‌اندازی کرده بودیم. API نفت وارداتی ما از آسیای میانه ۳۱ بود درصورتی‌که نفت تحویلی به آنها در جنوب ۳۴ بود و ما «سای‌بی‌آی» جلو بودیم که در بنزین تولیدی‌مان تأثیر خوبی می‌گذاشت. **ما چرا؟** چون می‌خواستیم جلوی آمریکا و خط لوله باکو – جیحان دریابیم و رقابت کنیم. می‌خواستیم به همسایگان شمالی‌مان بگوییم مسیر عبور نفت‌تان از ایران است نه مسیرهای دیگر. برای خودمان هم خوب بود. ما نفت را از جنوب باید به شمال می‌فرستادیم تا مسئله سوخت شمال کشور را حل کنیم. خبر این حمل‌ونقل صورت نمی‌گرفت. در چنین فضایی یک

ما که بین‌الملل قبول نکرد...

بله، قبول نکرد...

ما خب چرا نیکو قبول کرد؟

چون به آن تکلیف شد...

ما مگر به بین‌الملل تکلیف نشده بود؟

چون نیکو خارج از کشور بود و توانایی و امکاناتی داشت که این کار را پیش ببرد و مربوط به خصوصیات یک مدیر است که تشخیص می‌دهد این‌س کار در آن شرایط به نفع کشور است. من روی مین نمی‌رفتم؛ مدیر بعدی روی مین رفت.

ما به شما هم چنین تکلیفی شده بود که خارج از رویه فروش نفت، نفت بفروشید؟

بله، به من هم یک مصوبه نشان دادند از یک ستاد... که باید ۳۰۰ هزار بشکه نفت را خارج از رویه‌های مرسوم بفروش؛ منتها من باهوش‌بازی درآوردم و می‌دانستم که پشت این مصوبه می‌خواهند اشخاصی را به من معرفی کنند که در بین‌الملل نتوانستند جا بیندازند.

ما زمان شما که تحریم‌ها هنوز سخت نشده بود و تحریم نفتی نشده بودیم.

بله، دقیقا.

ما شخص به شما معرفی نکردند؟

نه معرفی نکردند. من همان اول کار گفتم که این کار را نمی‌کنم. استدلالم هم این‌بود که ما الان طبق قراردادی که بین‌الملل می‌بندد، روزی ۶۰۰ هزار بشکه می‌فروشیم؛ حالا این ۳۰۰ هزار تا قطعاً بازار را به‌هم می‌ریزد و فروشنده نفت ایران دودست می‌شود.

ما در واقع اراده‌ای وجود داشته که حتی قبل از تحریم‌های نفتی رویه‌های فروش نفت را دور بزنند و نفت را به شخص و دلال‌های خاص بدهد؟

بله، صدرصد. من نبودم، مسئله بایک زودتر اتفاق می‌افتاد. هیچ ربطی هم به تحریم‌ها نداشت. بازار نفت و خوراک پالایشگاه‌ها مشخص است. کسی خارج از این رویه نمی‌تواند کاری کند. درست‌موقعی که مثلا در چین منفی دو پلاس میعانات فروش نفت، طرف (بایک زنجانی) آمد و گفت من مثبت ۱۴ می‌خرم و می‌فروشم. خب این خیلی روشن است که نمی‌خواهد پول را بدهد. چون یک بازار است، یک مشتری است. این هشدارها را بین‌الملل نفت داده بود به همین دلیل است که امور بین‌الملل یک پرونده قضائی ندارد. یک واحد پاکی است. درواقع می‌خواستند بایک زنجانی به همان مشتری‌های سابق بین‌الملل نفت بفروشد یعنی بایک را جایگزین بین‌الملل نفت کردند.

ما نیکو هم همراهی کرد...

عرض کردم که به او تکلیف شد.

ما خب، به بین‌الملل هم تکلیف شده بود اما زیر بار نرفت...

بله، ولی گفتند کشور دارد به هم می‌خورد و فروش نفت ایران خیلی افت کرده است و از این مدل استدلال‌ها...

ما شما هم قبش قبول نکرده بودید.

بله، من قبول نکردم. من حتی تی‌تی (TELEGRAF. TRANSFER) را هم از شل قبول نمی‌کردم. یک روز آقای جشن‌ساز که مدیرعامل شرکت نفت بود با آقای عرش‌ی که در بین‌الملل بودند به من زنگ زدند که از شل بدون ال‌سی، تی‌تی را قبول کن. من گفتم طبق این مدل که فرمش را برای شما می‌فرستم و شما بزحمت از اعضای هیئت‌مدیره نفت مصوبه‌اش را بگیرد من تی‌تی را از شل قبول می‌کنم. تازه آن هم از شل. دوستان هم بالاوپایین پریدند که مخازن دارد پر می‌شود بنادر ما این‌طور است شما قبول کن... گفتم تا هیئت‌مدیره تصویب نکند و مدیر مالی و نه مدیر بین‌الملل نفت به من ابلاغ نکند، من قبول نمی‌کنم. چون مدیر مالی ذبح حساب است.

ما خب، باز همان سؤال مطرح است که نیکو چرا زیر بار فروش نفت به بایک رفت، نه شما قبول کرده بودید که خارج از رویه نفت بدهید نه بین‌الملل...

ببینید این کار با دستور مستقیم وزیر نفت اتفاق افتاده است. حکم هم دراین‌باره دادگاه باید بدهد. من هم جای مدیرعامل بعدی نیکو نبودم... من روی این مین نرفتم ولی باید به فضایی که برای مدیر ساخته می‌شود توجه کرد... که بنادر این‌طور است... مخازن پر شده است... نفت فروش نمی‌رود. بین‌الملل هم نمی‌فروشد. تو بیا بفروش. بله من روی مین نمی‌رفتم و نرفتم ولی خب همه مثل من نیستند و بسته به تحلیل‌شان از شرایط دست به این ریسک‌ها می‌زنند.

ما آن نشستی که بین بایک و مدیران وقت نیکو در لوزان برگزار شد، چه؟

ما حرف من این است که بالاخره در آن سیستم مولی اصلی فروش نفت ایران یعنی بین‌الملل نفت زیر بار این اتفاق هم نمی‌آید که من دانستندم وضع بنادر چطور است و مخازن خارک هم وضعش مشخص بود اما قبول نکردند که خارج از رویه‌هایشان کارکنند.

در دولت احمدی‌نژاد همه چیز one man company بود؛ یعنی هرچه ایشان می‌گفت، چون فاصله قدرت و عملکردش با وزیر خیلی زیاد بود، بی‌بربرگرد انجام می‌شد. بانک مرکزی کشور رسماً قلم دولت شده بود.

ما مسئله شما و میرکاظمی فقط سوآپ بود؟

نه، ایشان یک تصمیم عجیب دیگری هم گرفت. ما به پشتوانه سوآپ و اعتبار آن، رفته بودیم با پایانه نفتی سومد مصر قرارداد بسته بودیم که به غیر از بندر روتردام نفت‌مان را از آنجا هم مارکت کنیم. جالب است به دهامان در اختیار شهرداری تهران است که باید به حساب سازمان مالیاتی و دولت وایز می‌کرد.

ادامه در صفحه ۱۵

گزارش

طیب‌نیا از عدم پرداخت مالیات در مجموعه قالیباف خبرداد

خودمختاری شهرداری

● **شرق:** «مبنایی برای تقسیم جامعه به ۴ و ۹۶ درصد وجود ندارد»؛ «کاندیدا‌ها اتهام زنزند، برنامۀ اقتصادی ارائه دهند»؛ «بساط واگذاری‌های مذاکره‌ای برچیده شد»؛ «بیدارشدن غول خفته تورم با پرداخت یارانه و کارانه»؛ «شهرداری مالیات پرداخت نمی‌کند»؛ «بانک‌های ایرانی تاکنون ۶۰ میلیارد دلار تفاهم‌نامه با بانک‌های خارجی امضا کرده‌اند»؛ «انتقالبی‌بودن پرداخت یارانه و چاپ پول نیست» و «هنوز به سطح درآمد سال ۹۱ نرسیده‌ایم». اینها بخشی از مهم‌ترین سخنان وزیر-اقتصاد است که در نشست خبری متفاوتی در تهران و سمنان گفته است. علی‌طیبنیا با اشاره به اینکه تقسیم‌جامعه به ۹۶ و ۴ درصد کارشناسی‌شده نیست، گفت: امیدوار بودم مناظرات بتوانند راه‌حلی برای مسائل اقتصادی باشند؛ ولی متأسفانه این‌گونه نبود. امیدواریم از این پس به‌جز ایراد اتهام به یکدیگر، برنامه و راه‌حل برای مشکلات اقتصادی مطرح شود. او با بیان اینکه تقسیم‌افراد جامعه از حیث ثروت، به ۹۶ و ۴ درصد، تقسیم‌بندی کارشناسی‌شده‌ای نیست، بیان کرد: اطلاعاتی که از شیوۀ توزیع درآمدی داریم نشان می‌دهد اگر جمعیت کشور را به صد گروه تقسیم کنیم، فقط صدک نخست یک‌مدرآمدترین افراد جامعه هستند با صدک‌های دیگر تفاوت دارند و به این ترتیب میان دیگر صدک‌ها تفاوت چندانی وجود ندارد. نندارد، طبیعتاً هیچکدام بیان کرد: البته بررسی‌های ما نشان می‌دهد در سایر کشور‌های جهان نیز چنین وضعیتی وجود دارد، همچنان که در برخی معیار‌های کشور‌های دیگر هم این موضوع دیده می‌شود. بنا‌بر آن گفته شد، مبنایی برای تقسیم کشور به ۴ و صدک ۹۶ صدک وجود ندارد، البته لازم است بگوییم نکته مهم اینجااست که آنچه ملک فساد است غیرشفاف‌بودن است و نه میزان درآمد. او ادامه داد: در شرع مقدس اسلام و قوانین حاکم بر جمهوری اسلامی برای درآمد حد و مرزی تعیین نشده است. اگر فعالان اقتصادی از راه سرمایه‌گذاری و تولید در چارچوب مقررات شفاف عمل کنند و برای مردم اشتغال ایجاد کنند، ما این افراد را فاسد یا زالوصفت تلقی نمی‌کنیم. طبیعتاً معتقد است اقتصاد ایران دولتی و نفتی است و باید با این بیماری مزمن مقابله کرد، پس دست‌یابی به رشد اقتصادی هشت درصدی امکان‌پذیر نیست، به همین منظور در ستاد اقتصاد مقاومتی، برنامه عملیاتی تدوین شده‌است و همه دستگاه‌ها برای تمام برنامه‌های خود، اهداف کمی زمان‌بندی‌شده دارند که معلوم است در افق زمانی تعیین‌شده باید به کجا برسند. البته امسال سالی است که باید رشد اقتصادی را فراتر گیرد تا رشد کیفی قابل‌قبولی داشته باشیم که آثار آن در زندگی مردم نبینند. وی افزود: درآمد نفتی ما در سال ۱۳۹۵ در سطح یکصد میلیارد بوده و به اوج صادرات رسیدیم، ۷۲ هزار میلیارد تومان بوده که سه برابر کل درآمد نفتی باید هزینه‌کنیم تا تجهیز یارانه‌ها را داشته باشیم. پس باید مالیات را سه برابر کرد تا دو برابر آن را به مردم یارانه بدهیم؛ اما اگر قرار باشد مالیات را سه برابر کنیم، اثر منفی روی معیشت و واحدهای تولیدی کشور خواهد داشت و همه را ورشکسته می‌کند و منجر به توسعه بی‌کاری در کشور می‌شود.به گفته این عضو کابینه، در مرحله قبلی پرداخت یارانه، پایه پولی ۵۰ هزار میلیاردتومان افزایش یافت، درحالی‌که بی‌ثباتی و تورم افزایش یافته و نتیجه‌شیربینی‌پذیرنبودن اقتصاد و شوک‌های جدید در قیمت ارز را به ارمغان آورد. پرداخت یارانه و کارانه غول خفته تورم را مجدد بیدار می‌کند و کسادی را به جامعه کسب‌وکار هدیه می‌دهد، انقلابی کسی است که با تولید و صادرات، زمینه ایجاد اشتغال را برای مردم فراهم می‌کند.وی درباره بدهی‌های دولت گفت: چند بار از شهرداری تهران خواسته شد مالیات دولتی را از دولت را اعلام کند؛ اما تاکنون هیچ ادعایی را به شکل کتبی همراه مستندات دریافت نکرده‌ایم. خود من شخصاً چند بار به شهردار تهران نامه داده‌ام که ما می‌خواهیم بدهی شما را پرداخت کنیم؛ ولی اعلامی از سوی شهرداری انجام نشده است. لازم است بگوییم سازمان امور مالیاتی کشور تا به امروز از محل مالیات بر ارزش افزوده و عوارض به شکل مستقیم و نه از کانال خزانۀ، ۶۰ هزار میلیارد تومان پول به شهرداری‌های کشور پرداخته است که از این رقم، ۱۷ هزار میلیارد تومان به دولت قبل برمی‌گردد و پرداخت ۴۳ هزار میلیارد تومان نیز در دولت یازدهم انجام شده است. طبیعتاً ادامه داد: از سال ۱۳۸۸ تا انتهای ۱۳۹۱ در مجموع سه‌هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان به شهرداری پرداخت شده بود، درحالی‌که در دولت یازدهم ۱۱هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان پرداخت شده است که فقط سهم سال ۱۳۹۵، معادل چهار هزار میلیارد تومان بود. گفتنی است اکنون شهرداری تهران شش هزار میلیارد تومان به بانک‌ها بدهکار است و به‌موقع وام‌ها را پرداخت نمی‌کند. اکنون شهرداری تهران یکی از بزرگ‌ترین بدهکاران به نظام بانکی است و بیشتر این بدهی‌ها غیرجاری هستند و براساس قانون بانک‌ها هم مجاز نیستند به شهرداری تسهیلات بیشتری بدهند. وی افزود: شهرداری از مالیات معاف است؛ ولی شهرداری تهران امروز هزارو ۶۷۰ میلیارد تومان به سازمان امور مالیاتی بدهکار است که بیشتر بدهی مالیات بر ارزش افزوده و مالیات تکلیفی است، یعنی بخشی از آن مالیات کارمندان است، درحالی‌که پولی به دهامان در اختیار شهرداری تهران است که باید به حساب سازمان مالیاتی و دولت وایز می‌کرد.